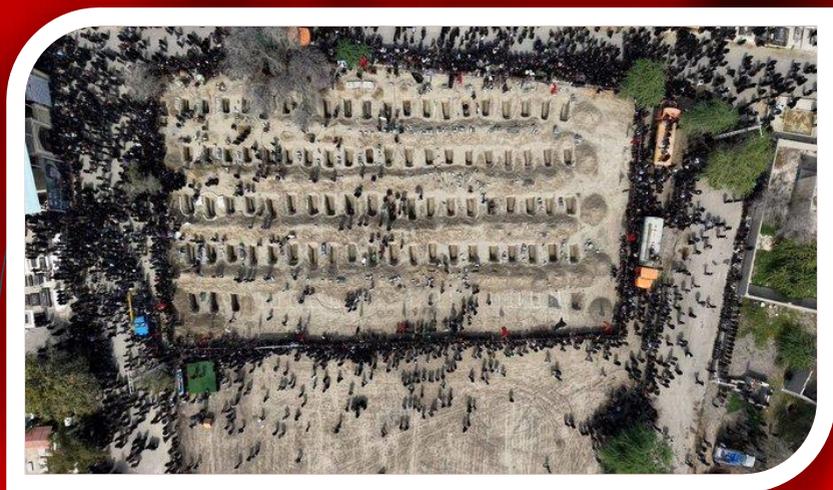


لانه دزدان (سازمان ملل) یا قانون

جنگل: ابزاری برای مدیریت

بربریت سرمایه داری



تصویری هوایی از مراسم خاکسپاری قربانیان مدرسه

صدای انترناسیونالیستی

در ۹ اسفند ۱۴۰۴، جنایتکاران جنگی آمریکایی با شلیک چندین موشک پیشرفته تاماهاوک، یک مدرسه دخترانه در میناب را هدف قرار دادند؛ حمله‌ای که در آن بیش از ۱۶۰ نفر جان باختند و بخش عمده قربانیان را کودکان تشکیل می‌دادند. در پی این قتل عام، به درخواست حاکمان جنایتکار ایران، شورای حقوق بشر لانه دزدان (سازمان ملل) در ۷ فروردین ۱۴۰۵ نشستی برای بررسی این بمباران برگزار کرد.

اما پرسش اساسی این است: چرا این نهادها که زمانی با تبلیغات گسترده به عنوان مدافع حقوق بشر معرفی می‌شدند، در برابر کشتارهایی از این دست، جنگ‌های جاری در سراسر جهان و سایر فجایع مشابه، عملاً به حاشیه رانده شده‌اند و دیگر آن نقش پررنگ سابق را ایفا نمی‌کنند؟ پاسخ از این منظر روشن است: لانه دزدان (سازمان ملل) و نهادهای زیرمجموعه آن، در عمل کارکرد و موضوعیت پیشین خود را از دست داده‌اند.

پس از پایان جنگ امپریالیستی دوم، قدرت‌های پیروز برای مدیریت، مهار و مشروعیت بخشی به رقابت‌های امپریالیستی، در سال ۱۹۴۵ «لانه‌ی دزدان» موسوم به سازمان ملل متحد را بنیان نهادند. هدف از تأسیس «لانه‌ی دزدان» تنظیم مناسبات میان قدرت‌های بزرگ و کنترل تعارضات در چارچوبی قابل مدیریت بود. در دوران جنگ سرد، این «لانه‌ی دزدان» تا حدی توانست قواعدی برای تنظیم روابط میان راهزنان برقرار کند و از این رو، هنوز کارکرد و موضوعیت نسبی داشت.

اما با پایان جنگ سرد، این توازن فروپاشید. ایالات متحده در مقام پلیس جهانی ظاهر شد و برای حفظ هژمونی خود، سلسله‌ای از جنگ‌ها و مداخلات نظامی را به راه انداخت.

ایالات متحده و متحدانش این جنگ‌ها و مداخلات را با عناوینی چون «دفاع از حقوق بشر»، «پاسدداشت کرامت انسانی» و «مبارزه با تروریسم» توجیه کردند.

امروز اما، حتی پایبندی به همان قواعد بین‌المللی بورژوایی یا ارجاع به «حقوق بشر» نیز عملاً موضوعیت خود را از دست داده است. «لانه‌ی دزدان» که زمانی نقش تنظیم‌کننده این قواعد را بر عهده داشت، اکنون بیش از پیش به حاشیه رانده شده است. در نتیجه، جای این قواعد را منطق عریان «ارتش مخوف و قدرتمند» گرفته است. شرایط جدید جهانی، ایالات متحده و دیگر امپریالیست‌ها را به این جمع‌بندی رسانده است که دیگر ضرورتی برای پایبندی به قواعد بین‌المللی امپریالیستی وجود ندارد.

در چنین وضعیتی، نه تنها نیازی به ظاهرسازی‌های بورژوایی احساس نمی‌شود، بلکه در دل نظم جدید، نظم هرج‌ومرج، «لانه‌ی دزدان» نیز عملاً به نهادی بی‌اثر تبدیل شده است. حاصل این روند، حاکمیت «قانون جنگل» است؛ جایی که تنها زور تعیین‌کننده است.

ایالات متحده در دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ، در سال ۲۰۱۸ از شورای حقوق بشر خارج شد، اما در سال ۲۰۲۱، دولت بایدن بار دیگر آن را به این نهاد بازگرداند. امروز، حاکمان آمریکا آشکارا در ادبیات جنگی خود از تعبیری چون «ارتش مخوف»، «ارتش کشنده»، «مرگبار» و «بی‌رحمی» استفاده می‌کنند و عملاً هیچ اشاره‌ای به «حقوق بشر» یا «دموکراسی» ندارند. در چنین شرایطی، «لانه‌ی دزدان» و به ویژه شورای حقوق بشر آن، بیش از هر زمان دیگری به حاشیه رانده شده و عملکردش به جلساتی فرمالیته و بی‌اثر تقلیل یافته است.

در همین چارچوب، فولکر تورک، کمیسر عالی حقوق بشر این نهاد، با عوامفریبی تمام، خواستار انجام تحقیق درباره بمباران مدرسه دخترانه میناب شد؛ گویی با یک حادثه استثنایی و غیر معمول روبه‌رو هستیم و نهادی بی طرف در حال پیگیری آن است. این در حالی است که چنین موضع‌گیری‌هایی عملاً تلاشی است برای پنهان کردن این واقعیت که «لانه‌ی دزدان» خود بخشی از سازوکار مدیریت بحران در سرمایه‌داری جهانی بوده است، سازوکاری که امروز کار کرد و موضوعیت پیشین خود را از دست داده است.

نکته قابل توجه در عملکرد شورای حقوق بشر آن است که کمیسر عالی حقوق بشر، مسئولیت تحقیق را به همان نیروهای واگذار می‌کند که متهم به انجام حمله هستند، و سپس از آن‌ها می‌خواهد این تحقیقات را «در اسرع وقت» به پایان رسانده و نتایج آن را علنی کنند. این همان اوج عوام‌فریبی است، مسئولیت تحقیق به عهده:

"کسانی است که این حمله را انجام داده‌اند تا به‌طور سریع، بی‌طرفانه، شفاف و کامل تحقیق کنند تا حقایق مشخص شود و زمینه پاسخگویی فراهم شود."<sup>۱</sup>

وزیر امور خارجه بورژوازی اسلامی در سخنرانی ویدئویی خود این قتل‌عام را «جنایت جنگی» و «جنایت علیه بشریت» توصیف کرد و مدعی شد که ایالات متحده یک حمله حساب شده انجام داده است. او تأکید کرد که با توجه به دقت و پیشرفت فناوری‌های نظامی، نمی‌توان این حمله را غیر عمدی تلقی کرد.

---

<sup>۱</sup> شورای حقوق بشر.

پیش از ادامه بحث، لازم است بر یک نکته تأکید شود: این یک واقعیت انکارناپذیر است که این قتل عام بی‌تردید «جنایت علیه بشریت» است. اما طرح این ادعا از سوی نماینده بورژوازی ننگین اسلامی، که خود کارنامه‌ای مملو از سرکوب، کشتار و خشونت دارد، معنایی متناقض به خود می‌گیرد.

به بیان دیگر، در اینجا با وضعیتی مواجهیم که در آن جنایتکاری، جنایتکار دیگری را به جنایتی متهم می‌کند که خود نیز در تاریخش مرتکب شده است. بورژوازی ننگین اسلامی نیز قدرت خود را بر پایه خون، کشتار و قتل عام تثبیت کرده است؛ به ویژه در سال‌های نخست پس از استقرار، از جمله در سال سیاه ۱۳۶۰، که موجی از سرکوب و اعدام، جان شمار زیادی از انسان‌ها، از جمله جوانان و حتی نوجوانان، را گرفت.

دردناک‌ترین بخش این سیرکِ نشستِ جنایتکاران، لحظه‌ای بود که، از راه دور و با ترجمه «لانه‌ی دزدان» (سازمان ملل)، مادری داغ‌دیده سخن گفت؛ مادری که دو فرزندش را در حمله به یک مدرسه از دست داده بود. او با اندوهی عمیق، از آخرین لحظات دیدار با فرزندانش گفت و سپس افزود: «هیچ مادری آماده شنیدن این جمله نیست که: فرزندت دیگر بر نمی‌گردد.»

این جمله، عمق اندوه مادری بود که جهانش در یک لحظه فرو ریخته است. آن مادر داغ‌دیده، آن انسان دردمند، مادری که زندگی‌اش به جهنمی زمینی بدل شده، در میان این نمایش رسمی، خواستار روشن شدن حقیقت از سوی جنگ طلبان شد. اما این درخواست را از چه کسانی مطرح می‌کرد؟ از همان جنگ‌طلبانی که کارشان پنهان‌سازی حقیقت و

توجیه کشتار است. از همان نیروهایی که عملکردشان چیزی جز تولید مرگ و ویرانی نیست.

با این حال، آن مادر داغ‌دیده، آن انسان شکسته از درد، آن مادر سوخته دل از جنایتکاران خواست اجازه ندهند این فاجعه به فراموشی سپرده شود. او ایالات متحده و اسرائیل را عامل این رنج دانست و گفت:

"از شورای حقوق بشر، اعضای آن، نهادهای مسئول و همه کسانی که وظیفه و توانایی دفاع از جان کودکان را دارند می‌خواهم اجازه ندهند این فاجعه فراموش شود."<sup>۲</sup>

برخلاف عوامفریبی جنایتکاران جنگی، بمباران مدرسه یک حادثه غیرمسئولانه نبوده است؛ بلکه بخشی از یک الگوی نظام‌مند جنگ و کشتار غیر نظامیان در جنگ‌های امپریالیستی است. خشونت سیستماتیک ریشه در ساختار توحش‌آمیز سرمایه‌داری دارد؛ این نظام است که بربریت را بازتولید می‌کند و مرگ را به ابزار سیاست و سلطه تبدیل می‌کند.

ما اظهارات یک افسر اطلاعاتی سابق آمریکا را که ۱۷ سال در ارتش این کشور به عنوان افسر اطلاعات و ضدتروریسم خدمت کرده و دارای مجوز «فوق‌سری» همراه با آزمون پلی‌گراف بوده است، به عنوان ضمیمه منتشر می‌کنیم. این افسر روند قتل‌عام را با توجه به دانش و تجربه اطلاعاتی خود به روشنی توضیح می‌دهد و نشان می‌دهد که حمله به مدرسه نه ناشی از اشتباه، بلکه عملکردی کاملاً آگاهانه بوده است.

---

<sup>۲</sup> بی‌بی‌سی.

تأکید بر این نکته ضروری است که انتشار این ضمیمه صرفاً برای روشن سازی روند قتل عام از منظر تجربه اطلاعاتی یک افسر باتجربه ضد تروریسم آمریکایی است و به هیچ وجه به معنای نتیجه گیری نهایی درباره مسئولیت ها نیست. برخلاف توقع و خواست انسانی این افسر سابق، ناوهای مرگبار فعلاً به آمریکا باز نخواهند گشت؛ چرا که ضرورت وجودی آنها، قتل عام و کشتار است. این ناوها تجسم بربریت سرمایه داری و مرگبار بودن نظام سرمایه داری در سطح جهانی هستند.

قتل عام مدرسه نه یک اشتباه بود و نه ناشی از بی تدبیری؛ افسر اطلاعاتی سابق آمریکا با اظهارات خود نشان می دهد که این حمله کاملاً عمدی بوده است. این حادثه صرفاً یک رویداد منفرد نیست، بلکه بخشی از یک الگوی کشتار سازمان یافته در جنگ های امپریالیستی است. تال حظه نگارش این مقاله، تعداد کودکانی که در بمباران های دیگر کشته شده اند، تقریباً برابر با تعداد کودکان قتل عام شده در مدرسه است. آیا می توان باور کرد که همه این کشتارها اتفاقی بوده اند؟ اگر قتل عام اولیه تصادفی بود، قتل و کشتار کودکان نباید این گونه تداوم می یافت.

در این میان، درخواست برای تحقیق ممکن است ظاهراً انسانی و عقلانی به نظر برسد، اما این خواسته در عمل مسئولیت را از نظام توحش و خون آلود سرمایه داری به یک حادثه خاص یا نهایتاً به یک دولت منفرد محدود می کند. این بخشی از عملکرد پرافتخار سنت کمونیست چپ بوده است که همواره تأکید کرده است تمامی دولت ها، از جمله دولت هایی با روبنای دموکراسی بورژوایی، در جنایات آشویتس دخیل بوده اند و این

تحلیل را بعدها به تمامی قتل‌عام‌ها تعمیم داده‌اند. در قتل‌عام مدرسه نیز تمامی دولت‌های سرمایه‌داری شریک هستند و دستانشان به خون آغشته است.<sup>۳</sup>

برخلاف عوام‌فریبی گرایش‌های راست و چپ سرمایه، کمونیست‌های چپ همواره تأکید کرده‌اند که در عصر امپریالیسم، تمامی گرایش‌های بورژوازی، چه دموکرات، چه دیکتاتور، چه صلح‌طلب و چه جنگ‌طلب، ضد انقلاب، ارتجاعی و علیه طبقه کارگر هستند، فارغ از روبنای سیاسی آن‌ها. ادعاهای بخشی از این گرایش‌ها مبنی بر اینکه این جنگ قانونی نیست، زیرا شورای امنیت به آن رأی نداده، یا اینکه این جنگ را ترامپ و نتانیاهو آغاز کرده‌اند، یا حتی اینکه کنگره آمریکا آن را تصویب نکرده است و برخی تئوری‌های توطئه مطرح می‌کنند، همه به یک هدف واحد خدمت می‌کنند: تنزل ماهیت واقعی جنگ‌ها به سطح رهبران جنگ‌طلب و نجات سرمایه‌داری از مسئولیت آن. کمونیست‌های چپ بر این باورند که این جنگ‌ها نه محصول خواست رهبران «دیوانه» و جنگ‌طلب، بلکه نتیجه نظام سرمایه‌داری هستند.

هر غیرنظامی که در این جنگ‌ها به خون غلتیده است، فارغ از اینکه در ایران، لبنان، اسرائیل، عربستان، امارات یا سایر کشورها باشد، نماد یک جنایت علیه بشریت است و

---

<sup>۳</sup> از دولت سوئیس به عنوان کشوری صلح‌طلب یاد می‌شود؛ کشوری که در دو جنگ جهانی اخیر وارد درگیری‌های امپریالیستی نشده و عضو ناتو نیز نیست. اما این تصویر، نوعی عوام‌فریبی است. همین کشوری که صلح‌طلب‌ترین کشور جهان خوانده می‌شود، اخیراً اجازه عبور سه پرواز برای هواپیماهای آمریکایی از حریم هوایی خود را صادر کرده است. «سه درخواست مربوط به جنگ در ایران تأیید شد، یک پرواز تعمیر و نگهداری و دو درخواست پرواز برای هواپیماهای ترابری.»

تمامی دولت‌های سرمایه‌داری مسئول و مسبب آن هستند. این قتل‌عام‌ها نه خطاهای غیرعمدی، بلکه کشتارهای آگاهانه و سازمان‌یافته سرمایه‌داری هستند.

پاسخ واقعی به قتل‌عام‌های امپریالیستی تنها با تبدیل این جنگ‌ها به جنگ علیه خود سرمایه‌داری ممکن است. جنگ طبقاتی در نهایت، با سرنگونی سرمایه‌داری در مقیاس جهانی، می‌تواند زمینه‌های مادی تنش‌های نظامی و جنگ‌های امپریالیستی را از میان برداشته و جهانی شایسته انسانیت به ارمغان آورد.

**مرگ بر جنگ امپریالیستی!**

**زنده باد جنگ طبقه علیه طبقه!**

یوسف

۱۰ فروردین ۱۴۰۵

**کانال تلگرام:**

<https://t.me/intvoice>

**ایمیل:**

[contact@internationalistvoice.org](mailto:contact@internationalistvoice.org)

**وبسایت:**

[www.internationalistvoice.org](http://www.internationalistvoice.org)

**ایکس (توییترو سابق):**

[https://x.com/int\\_voice](https://x.com/int_voice)

## جوزفین گیل بو، افسر سابق اطلاعاتی، درباره جنایات آمریکا صحبت می کند

نام من جوزفین گیل بو است. من یک افسر اطلاعاتی سابق هستم. ۱۷ سال در ارتش ایالات متحده خدمت کرده‌ام. در طول خدمتم به عنوان افسر اطلاعاتی در نهادهایی مانند NSA، ODNI، DIA و DHS مأموریت داشتم. همچنین به عنوان یک افسر اطلاعاتی در ارتش، دارای مجوز «فوق سری» همراه با آزمون پلی گراف بوده‌ام تا تصویری از سطح دسترسی و تجربه‌ام در این حوزه به شما بدهم.

یکی از وظایف متعدد من در این مسیر، مبارزه با تروریسم بوده است. من به عنوان افسر ضدتروریسم در ارتش آمریکا فعالیت کرده‌ام. می‌خواهم تعریف تروریسم را آن گونه که در ایالات متحده استفاده می‌کنیم، برای شما بیان کنم.

تروریسم عبارت است از استفاده از خشونت یا تهدید به خشونت به صورت از پیش طراحی شده علیه غیرنظامیان یا اموال، با هدف ایجاد ترس، اجبار یا ارعاب، برای تأثیرگذاری بر دولت‌ها یا جوامع به منظور دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک است.

با توجه به این تعریف، اکنون به بمباران میناب بازمی‌گردیم. بنا بر این روایت، ۱۶۵ دختر خردسال توسط موشک‌های آمریکایی که از یک ناو آمریکایی در منطقه عملیاتی شلیک شده بود، کشته شدند. یک موشک تاماهاوک مدرن مجهز به دوربین‌های داخلی است که تصاویر هدف‌گیری را به صورت لحظه‌ای ارسال می‌کند. همچنین تصاویر ماهواره‌ای به طور مداوم توسط چندین نهاد اطلاعاتی و چندین کشور به صورت زنده جمع‌آوری می‌شود.

بیاید بررسی کنیم این تصاویر ماهواره‌ای از مدرسه دخترانه میناب چه چیزی را نشان می‌دادند. کل مدرسه با نقاشی‌های رنگارنگ کودکان احاطه شده بود—گل‌ها و طرح‌های شاد با رنگ‌های

روشن اطراف ساختمان را پوشانده بودند. اگر از طریق تصاویر ماهواره‌ای به آن نگاه می‌کردید، بدون تردید مشخص بود که این یک مدرسه است. از طریق دوربین نصب‌شده روی موشک تاماهاوک نیز به وضوح قابل تشخیص بود که این یک مدرسه است.

اکنون به زمان شروع حمله به ایران پردازیم. ساعت ۱۰:۰۰ صبح، اسرائیل به همراه ایالات متحده حملات خود را آغاز کردند. تا ساعت ۱۰:۲۰، کارکنان مدرسه میناب شروع به تخلیه کودکان کردند.

ضربه اول به مدرسه اصابت کرد. کودکان به اتاق نماز منتقل شدند. ضربه دوم به اتاق نماز برخورد کرد و ۱۶۳ کودک کشته شدند. ضربه سوم در نزدیکی آن اصابت کرد.

برای تأیید یک هدف در عملیات‌های نیروی دریایی و نظامی ایالات متحده، معمولاً چندین منبع—از جمله گزارش‌های اطلاعاتی، منابع منطقه‌ای و مقامات آمریکایی—لازم است تا دقت تضمین شود و خطاها کاهش یابد. این سازوکار معمول کار است.

این گونه کار می‌کند. در آن روز، بنا به گزارش «ان بی سی نیوز»، ناوشکن موشک‌انداز «یواس اس برونس» یک موشک «تاماهاوک» شلیک کرد. فرمانده «للی آر. تیت» و افسر اجرایی «جفری ای. یورک» فرماندهی «یواس اس برونس» را بر عهده داشتند؛ همان ناوشکنی که موشک «تاماهاوک» را شلیک کرد و ۱۶۵ دختر خردسال را کشت.

پس از آن، همین ناوشکن در دریا با کشتی «یواس ان اس هنری کایزر» عملیات سوخت‌گیری و تدارکات انجام داد و دوباره آماده شلیک شد، در تاریخ‌های ۴ مارس، ۱۰ مارس و ۱۸ مارس. آن‌ها مهمات خود را تجدید کردند. سلاح‌هایشان را دوباره تأمین کردند.

هیچ توفقی برای بررسی نبود. هیچ توفقی برای تحقیق نبود. هیچ فراخوانی برای اینکه این فرماندهی در برابر کنگره حاضر شود و به مردم آمریکا توضیح دهد که چرا ما مدرسه‌ای را که می‌دانستیم مدرسه است بمباران کردیم. هیچ. سکوت.

دروغ‌ها. بهانه‌ها. تروریست‌ها چه کسانی هستند؟ آدم‌های بد این داستان چه کسانی هستند؟ این، داستان زمانه ماست. بر اساس تعریف خودمان از تروریسم، و من این را به عنوان یک افسر سابق ضدتروریسم می‌گویم، ما تروریست‌ها هستیم.

ما آدم‌های بد هستیم. حالا چه اتفاقی قرار است بعداً بیفتد؟ ارتش ایالات متحده در آستانه کشته شدن است—یک حمام خون. آن‌ها در پایین‌ترین سطح این ساختار قرار دارند. این واقعیت کل این سیستم است. آن‌ها مهره‌اند، برده نخبگان، «طبقه اپستین». و سخت‌ترین بخش همه آنچه الان می‌گویم این است که هیچ کدام از ما اینجا نمی‌توانیم آن‌ها را نجات دهیم.

مهم نیست امروز چه بگوییم، مهم نیست گریه کنیم یا فریاد بزنیم، نمی‌توانیم آن‌ها را نجات دهیم. اما من تلاش می‌کنم. من از فرمانده «یواس اس تریپولی»، کاپیتان «پاتریک جی. سالیوان» می‌خواهم: همین حالا کشتی را متوقف کن.

همین حالا مسیر کشتی را برگردان. تو در جنایات جنگی و مرگ برادران و خواهران ما، تفنگداران دریایی خودت، شریک خواهی بود. خون و مرگ آن‌ها بر دستان تو خواهد بود. کاپیتان «پاتریک جی. سالیوان»، همین حالا کشتی را متوقف کن. آن را برگردان. «یواس اس تریپولی» را برگردان.

# صدای انترناسیونالیستی منتشر کرده است!

انتخاب سرنوشته ساز:  
نه دموکراسی یا فاشیسم،  
بلکه سوسیالیسم یا بربریت



صدای انترناسیونالیستی

از مجسمه آزادی تا دبستان میناب:  
سرمایه داری یعنی جنگ و بربریت



صدای انترناسیونالیستی

تمامی دولت‌ها  
جنایتکاران جنگی هستند!



صدای انترناسیونالیستی

بورژوازی ایران و اسرائیل:  
متحدان در قتل‌عام زندانیان



تسخیر زندان اوین بهمن ۱۳۵۷

صدای انترناسیونالیستی